



مطالعه سفال منقوش بدون لعاب (شبه پیش ازتاریخی) در محوطه‌های دوران اسلامی دشت نرماشیر کرمان^I

محبوبه امیرانی پور*

سعید امیرحاجلو**

سارا سقایی***

(صص: ۱۶۵ - ۱۴۹)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

چکیده

یکی از گونه‌های سفال دوران اسلامی که در بررسی‌های باستان‌شناسی دشت نرماشیر شناسایی شده، سفال منقوش بدون لعاب (شبه پیش ازتاریخی) است که پیش‌تر در جنوب و جنوب‌غربی ایران گزارش شده و در سال‌های اخیر مطالعاتی درباره پراکندگی آن در برخی محوطه‌های دیگر صورت گرفته است. این گونه سفال دوران اسلامی فاقد لعاب، اما دارای نقوش هندسی قهوه‌ای، اخرايي، قرمز یا نارنجی است که در نگاه نخست، شباهت زیادی با سفال منقوش پیش ازتاریخ دارد. اما با توجه به اختلاف خمیره، رنگ، نقش و توزیع در کنار سفال‌های لعابدار دوره اسلامی، یکی از گونه‌های رایج سفال دوره اسلامی شمرده می‌شود که در بیشتر مناطق ایران مورد استفاده بوده است. پرسش این است که ویژگی‌های سفال منقوش بدون لعاب نرماشیر در مقایسه با نمونه‌های نواحی دیگر چیست؟ هدف، معرفی و مطالعه این سفال، مقایسه آن با نواحی دیگر و ارائه آگاهی‌هایی نو درباره فرهنگ‌های دوران اسلامی حاشیه لوت است. روش گردآوری داده‌ها «میدانی و اسنادی» و روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. بر این اساس، داده‌های گردآوری شده شامل قطعات سفال منقوش بی‌لعاب با نقوش قهوه‌ای تا قرمز است که در شهر قدیم نرماشیر (محوطه چغوک‌آباد) و محوطه‌های جلال‌آباد و رفیع‌آباد در بافت فرهنگی سده‌های میانی اسلامی به دست آمده و شباهت‌هایی با نمونه‌های منقوش بدون لعاب جنوب، جنوب‌غربی، مرکز، شمال و شمال‌شرقی ایران دارد. اما برخلاف نمونه‌های جنوب و جنوب‌غربی ایران، نمونه‌های نرماشیر به جوامع کوچ‌رو تعلق نداشته‌اند و از استقرارهای ثابت شناسایی شده‌اند.

کلیدواژگان: نرماشیر، سفال منقوش بدون لعاب، سفال شبه پیش ازتاریخی، محوطه‌های دوران اسلامی.

1. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «محبوبه امیرانی پور» با عنوان: «بررسی باستان‌شناختی سفال دوران اسلامی نرماشیر با تکیه بر شهر قدیم نرماشیر (محوطه چغوک‌آباد)» است که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه جیرفت دفاع شده است.

*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش دوران اسلامی دانشگاه جیرفت.

** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت (نویسنده مسئول).

*** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت.

مقدمه

حوزه فرهنگی نرماشیر در شرق استان کرمان، با وجود شواهد استقرار از دوران نوسنگی تا قاجار، سهم اندکی در پژوهش‌های نظام‌مند و علمی باستان‌شناسی داشته است. شهر قدیم نرماشیر (محوطه چغوک‌آباد) در منابع تاریخی صدراسلام تا سده‌های میانی اسلامی به‌عنوان یکی از ولایات پنج‌گانه کرمان، مرکز تولید محصولات کشاورزی و صنعتی، محل واسطه‌گری کالا و مرکز خدمات‌رسانی به کاروان‌ها در کناره کویر لوت معرفی شده است. این شهر در مسیر ارتباطی مرکز فلات ایران به سیستان، عمان و هندوستان نقش مهمی در تحولات تاریخی صدراسلام تا سده‌های میانی اسلامی در شرق و جنوب شرق کرمان داشته و به‌همراه محوطه‌های جلال‌آباد، پیرماشا، جمالی و رفیع‌آباد، تپه کارتن، قلعه شهید، کاروانسرای چهل‌تخم و برج‌های عنایت‌آباد، ضیاء‌آباد و حجت‌آباد منظر تاریخی دشت نرماشیر را تشکیل می‌دهند. در بررسی‌های نگارندگان در حوزه فرهنگی نرماشیر، گونه‌های سفال صدراسلام تا سده ۱۲ ه.ق. در سطح این محوطه‌ها شناسایی شد. یکی از این گونه‌ها، سفال منقوش بدون لعاب است که نخستین بار در جنوب و جنوب غربی ایران توسط سامنر و ویتکام گزارش شده بود (Sumner & Whitcomb, 1999). اما پس از آن و در سال‌های اخیر درباره پراکندگی آن در اغلب محوطه‌های دوران اسلامی ایران مطالعاتی صورت گرفته و در ادبیات باستان‌شناسی با نام «سفال شبه پیش‌ازتاریخی»، «منقوش بدون لعاب» یا اصطلاح اشتباه «پیش‌ازتاریخی دروغین» معرفی شده است. در این پژوهش از اصطلاح «منقوش بدون لعاب» استفاده شده؛ زیرا بهترین و دقیق‌ترین توصیف را از نظر گونه‌شناسی از این گونه سفال ارائه می‌کند و واژه «شبه پیش‌ازتاریخی» به دلیل کلی بودن و عدم تأکید بر گونه خاصی از سفال پیش‌ازتاریخی، به‌طور کامل و دقیق نمی‌تواند بازگوکننده ویژگی‌های ساخت و تزئین این گونه سفال باشد. این‌گونه سفال دوران اسلامی فاقد لعاب، اما دارای نقوش هندسی قهوه‌ای، اخراپی، قرمز یا نارنجی است که در نگاه نخست، شباهت زیادی با سفال منقوش پیش‌ازتاریخ دارد. اما با توجه به اختلاف خمیره، رنگ، نقش و توزیع درکنار سفال‌های لعابدار دوره اسلامی، یکی از گونه‌های رایج سفال دوره اسلامی شمرده می‌شود که در بیشتر مناطق ایران مورد استفاده بوده است. پرسش مقاله حاضر این است که ویژگی‌های سفال‌های منقوش بدون لعاب در نرماشیر و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با نمونه‌های نواحی دیگر چیست؟ هدف مقاله، معرفی و مطالعه این گونه سفالی، مقایسه آن با نمونه‌هایی از مناطق دیگر ایران و ارائه آگاهی‌هایی نو درباره فرهنگ‌های دوران اسلامی حاشیه کویر لوت است.

روش پژوهش

داده‌های پژوهش با دو روش میدانی و اسنادی گردآوری شده و پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و تحلیل‌ها بر پایه مقایسه تطبیقی به انجام رسیده است. دستاوردهای این پژوهش، نقش مهمی در شناخت فرهنگ‌های دوران اسلامی جنوب شرق کشور و حاشیه کویر لوت و تبیین تعاملات فرهنگی این ناحیه با نواحی همجوار دارد.

پیشینه پژوهش

گونه سفال منقوش بدون لعاب در دو دهه اخیر توجه پژوهشگران و باستان‌شناسان دوران اسلامی را به خود جلب کرده است. با وجود این، پژوهش‌ها درباره این گونه سفالی در مقایسه با دیگر گونه‌های سفال اسلامی و دیگر حوزه‌های پژوهشی کم‌شمار است؛ چنان‌که در محوطه‌های تاریخی جنوب و شرق استان کرمان، تاکنون این گونه سفال گزارش نشده است. دونالد ویتکام از نخستین پژوهشگرانی است که به مطالعه این گونه سفالی در نواحی جنوبی ایران پرداخته و

آن را «سنت سفال‌های شبه پیش از تاریخی»^۱ نامیده است. ویتکام در مقاله «سفال‌های پیش از تاریخ دروغین از جنوب ایران» به معرفی سفال‌هایی پرداخته که در «پژوهش قوم‌نگاری روستای سی سخت از ارتفاعات شمال بهبهان» و «بررسی محوطه دائودختر» گردآوری کرده است. وی آن‌ها را با سفال‌های منقوش بدون لعاب دوره اسلامی حوزه لوانت مقایسه کرده است. ویتکام وجود این سفال، تولید و پراکنش آن را در بقایای استقراری با مناطق دوگانه آب‌وهوایی، دلیلی بر زندگی شبانی و همچنین الگویی از زراعت شبانی - رمه‌داری فصلی دانسته و احتمال داده که این گونه سفالی در محوطه‌های جنوب غرب ایران متعلق به جوامع کوچ‌رو و دام‌پرور بوده است. وی در گزارش خود در معرفی و گاه‌نگاری این گونه سفال، آن‌ها را به سده‌های میانی و متأخر اسلامی متعلق دانسته است (ویتکام، ۱۳۸۲: ۸۶). سامنر نیز در مقاله‌ای با عنوان «سکونتگاه‌های دوران اسلامی و گاه‌نگاری آن‌ها در فارس از دیدگاه باستان‌شناسی» با همکاری ویتکام ضمن معرفی و شناسایی سفال منقوش بدون لعاب از ۵۸ محوطه دوران اسلامی در حوزه رود کُر در غرب فارس، این گونه سفالی را با نام ظروف مادآباد معرفی کرده است (Sumner & Whitcomb, 1999: 310).

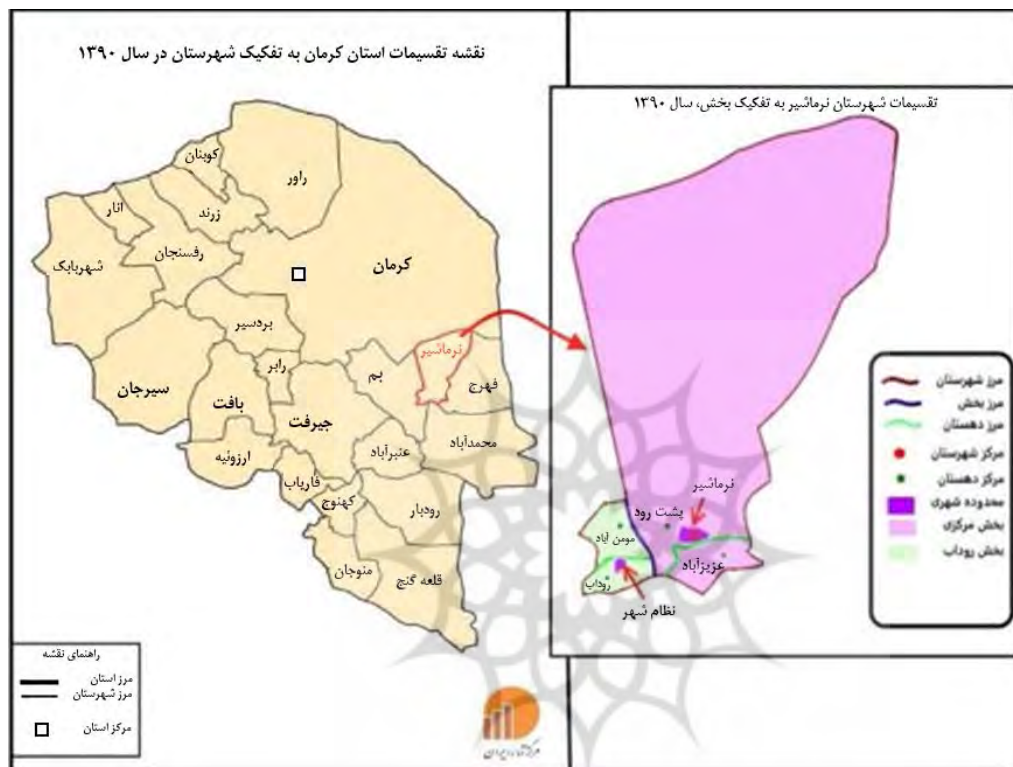
برخی از نمونه‌های شناسایی شده این گونه سفال در مقاله «سفال اسلامی منقوش بدون لعاب (شبه پیش از تاریخ)» از نظر زمانی و مکانی معرفی و مطالعه شده است. صدیقیان و غلامی در این مقاله ضمن معرفی این گونه سفالی در غرب و جنوب غرب، شرق، شمال مرکزی و مرکز ایران، سفال منقوش بدون لعاب اسلامی را مختص به یک منطقه خاص ندانسته و آن را به عنوان یک گونه سفالی در تمام قلمرو فعلی ایران معرفی کرده‌اند. نویسندگان با بررسی نتایج پژوهش‌های گذشته و با استفاده از داده‌های جدید در بخش‌های دیگر ایران و با توجه به ویژگی‌هایی چون اختلاف رنگ، نقش و قرارگیری در کنار سفال‌های لعابدار شاخص احتمال داده‌اند که این گونه سفالی متعلق به دو دوره «سده‌های میانی» و «سده‌های متأخر» اسلامی است (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). از سوی دیگر، پژوهش‌های علمی باستان‌شناسی در دشت نرماشیر نیز بسیار ناکافی است. از جمله می‌توان به گمانه‌زنی در شاه‌نشین شهر قدیم نرماشیر در سال ۱۳۷۵ ش. (اسدآبادی، ۱۳۷۵)، گزارش آثار دوران اسلامی دشت نرماشیر در فصل دوم بررسی باستان‌شناسی شهرستان بم در سال ۱۳۸۷ ش. (زارع، ۱۳۸۷) و همچنین گمانه‌زنی در شهر قدیم نرماشیر به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم و طرح تدوین پرونده ثبتی از آثار شهرستان نرماشیر (امیرحاجلو، ۱۳۹۳) اشاره کرد. بنابراین فعالیت‌های باستان‌شناسی نرماشیر تنها شامل دو طرح گمانه‌زنی، یک طرح بررسی و یک طرح تهیه پرونده ثبتی از آثار قابل ثبت است.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان نرماشیر در شرق استان کرمان، از شمال به شهرستان کرمان، از شرق به شهرستان فهرج، از جنوب به شهرستان ریگان و از غرب به شهرستان بم محدود است. این شهرستان ۱/۶۳ درصد از مساحت استان کرمان را به خود اختصاص داده و دارای ۲۹۹۳ کیلومتر مربع وسعت است (نقشه ۱). دشت نرماشیر جزء نواحی گرم و خشک کشور محسوب می‌شود. با این همه، چشم‌انداز کوهستانی غرب و جنوب غربی دشت نرماشیر که دنباله رشته‌کوه‌های مرکزی ایران و دارای قلی با بیش از ۳۰۰۰ متر ارتفاع است، وضعیت اقلیمی متفاوت و پوشش گیاهی متنوعی را در حاشیه دشت نرماشیر پدید آورده است (فشارکی، ۱۳۵۷: ۴-۵). این کوهستان‌ها سرچشمه آب مسیل‌ها و رودهایی هستند که به سوی مرکز دشت جریان می‌یابند. رود «نساء» مهم‌ترین رود دائمی و مسیل‌های گیشو، آب‌باریک، شور و کرمانشاه اصلی‌ترین آبراهه‌های فصلی دشت نرماشیر هستند (مستوفی، ۱۳۴۸: ۹۴).

اختلاف ارتفاع مناطق مختلف نرماشیر از یک سو و قرارگیری در حاشیه جنوب غربی کویر لوت از

سوی دیگر، سبب پدید آمدن لایه‌های آبرفتی و تپه‌های ماسه‌بادی در دشت نرماشیر شده است. براین اساس، خاک مرکز دشت نرماشیر، اغلب از نوع خاک با دانه‌های آبرفتی ریز شن، ماسه و سیلت است و حاشیه دشت از عناصر درشت قلوه سنگ، شن و ریگ تشکیل شده است (زارع، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵). این خاک آبرفتی به همراه رود دائمی نساء و کاریزهای پرشمار در دشت نرماشیر، این دشت را در گذشته به یکی از مراکز اصلی کشاورزی حوزه بم - نرماشیر در شرق کرمان تبدیل کرده بود.



نقشه ۱. موقعیت و تقسیمات شهری شهرستان نرماشیر (امیرانی پور، ۱۳۹۵: ۱۲).

اهمیت نرماشیر و شواهد تاریخی آن

یعقوبی در سده سوم ه. ق، نرماشیر را یکی از شهرهای اصلی کرمان دانسته (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۵۰) و ابن خردادبه آن را از مراکز توقف کاروان‌ها در حاشیه صحرای خشک (لوت) معرفی کرده است (ابن خردادبه، بی تا: ۵۴). قدامه بن جعفر نیز در سده چهارم ه. ق. چنین اشاره کرده که نرماشیر در مسیر کرمان - سیستان، در هشت فرسخی بم و یکصد فرسخی سیستان است (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۳۰). مقدسی از پنج ناحیه یا ولایت در کرمان شامل «بردسیر، سیرجان، جیرفت، بم و نرماشیر» نام برده (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۱) و درباره نرماشیر بیان داشته «نرماشیر درکنار کویر در سمت سیستان است و قصبه آن^۲ به نام نرماشیر خوانده می‌شود» (همان: ۶۸۴). به گفته او «نرماشیر قصبه‌ای بزرگ، آباد، با جمعیت فراوان، مردمی ثروتمند، کاخ‌های زیبا و پاکیزه، دژی با چهار دروازه، مسجد جامع و مناره‌ای بی مانند در میان بازار، بازرگانان گرانمایه، کالاها و میوه‌های متضاد بوده و به عنوان بارانداز و انبار کالاهای عمان و خرمای کرمان و پناهگاه شهرت دارد» و راه حاجیان سیستان از نرماشیر است (همان، ۶۸۱). بنابراین نرماشیر به سه دلیل در صدر اسلام گسترش و اهمیت یافته بود؛ نخست، عبور راه اصلی سیستان - مکه؛ دوم، قرارگیری بر سر راه‌های جنوب شرق به مرکز ایران؛ سوم، وجود انبارها و حضور بازرگانان در این شهر.

ادریسی جهانگرد مراکشی در سده ششم ه. ق، دو مسیر اصلی ارتباطی میان نرماشیر و سیستان را توصیف کرده است (ادریسی، بی تا: ۴۴۳). با توجه به الگوی توزیع محوطه‌ها و بناهای سده ششم ه. ق. در نرماشیر به نظر می‌رسد یکی از این دو راه از شهر قدیم نرماشیر، قلعه جمالی، محوطه جلال‌آباد و تپه کارتن می‌گذشته و راه دیگر از محل کاروانسرای چهل تخم در حدود ۱۰ کیلومتری شمال راه قبلی عبور می‌کرده است (سقای و امیرحاجلو، ۱۳۹۵: ۲۸). از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی سده ششم ه. ق. در نرماشیر، هجوم غزها به این شهر در ۵۷۶ ه. ق. بود که با ویرانگری و کشتار فراوانی همراه بود (خبیسی، ۱۳۴۳: بیست و چهار). اما پس از چندی نرماشیر دوباره روی آبادانی و رونق به خود دید، چنان‌که افضل‌الدین کرمانی، آبادانی روستاهای متصل و مزارع نرماشیر را با واژگانی مانند «بساطی زمزدین و مرصع به دژ و مرجان» ستوده است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲۹). یاقوت حموی و بغدادی در سده هفتم ه. ق، نرماشیر را از شهرهای مشهور و بزرگ کرمان معرفی کرده‌اند (حموی، ۱۹۹۰: ۲۸۱؛ بغدادی، بی تا: ۱۳۶۸) و در سده هشتم ه. ق، حمدالله مستوفی نرماشیر یا نرمدشیر را توصیف کرده و آن را از آثار اردشیر بابکان دانسته است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۳).

منابع تاریخی و جغرافیایی اواخر دوره تیموری تا قاجار درباره نرماشیر اطلاعات زیادی ارائه نکرده‌اند، اما شیروانی و اعتمادالسلطنه در دوره قاجار از آبادانی نرماشیر سخن گفته‌اند (شیروانی، ۱۳۸۹: ۶۰۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۴۷۲) و ادوارد بییت به تولید حنا در نرماشیر و صادرات آن اشاره کرده است (ادوارد بییت، ۱۳۶۵: ۶۹).

افزون بر توصیف‌ها و گزارش‌های منابع تاریخی و جغرافیایی، شواهد باستان‌شناختی نیز از اهمیت حوزه فرهنگی نرماشیر در دوران اسلامی حکایت دارند. اگرچه بخش وسیعی از نیمه شمالی دشت نرماشیر را کویر لوت فرا گرفته، اما بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی نگارندگان، شواهدی از استقرارهای هزاره چهارم ق. م. تا سده‌های متأخر اسلامی در نیمه جنوبی شهرستان شناسایی شده است. مهم‌ترین محوطه‌ها و آثار دوران اسلامی در این ناحیه شامل شهر قدیم نرماشیر (ارگ شاه‌نشین، برج کامرانیه، زیارتگاه ملاسراج‌الدین، دروازه شرقی و باروی جنوبی شهر)، محوطه جلال‌آباد، محوطه جمالی، محوطه رفیع‌آباد، محوطه پیرماشا، تپه کارتن، کاروانسرای چهل تخم، قلعه شهید، برج عنایت‌آباد، برج ضیاء‌آباد و برج حجت‌آباد است. در بررسی نگارندگان در محوطه‌هایی همچون شهر قدیم نرماشیر، جلال‌آباد، تپه کارتن، جمالی و رفیع‌آباد گونه‌های مختلف سفال دوران اسلامی از جمله لعاب گلی، لعاب تکرنگ، بدون لعاب با نقوش کنده، افزوده و قالبی و مَه‌ری، سفالینه‌های بدل‌چینی و خمیره فریتی، سفال‌های زرین فام اولیه، فیروزه‌ای قلم‌مشکی، نقاشی زیر لعاب شفاف، آبی و سفید، نقش‌کنده زیر لعاب و منقوش بدون لعاب شناسایی شده است. گونه سفال منقوش بدون لعاب در سه استقرار دوران اسلامی دشت نرماشیر یعنی شهر قدیم نرماشیر، محوطه جلال‌آباد و محوطه رفیع‌آباد یافت شده است.

«شهر قدیم نرماشیر» یکی از محوطه‌های وسیع دوران اسلامی در حوزه جنوب شرق است که بر پایه بررسی‌های سطحی محوطه، شواهد استقرار از اواخر دوره تاریخی تا دوران متأخر اسلامی (سده‌های ۱۱ و ۱۲ ه. ق.) در آن شناسایی شده است. شهر قدیم نرماشیر یا محوطه چغوک‌آباد، در شش کیلومتری جنوب غربی شهر امروزی نرماشیر و در حاشیه جنوبی روستای شهیدچمن قرار دارد. طول شرقی این محوطه از ۵۸،۶۷۱۶۶۷ تا ۵۸،۶۵۲۲۲۲ و عرض شمالی آن از ۲۸،۹۰۸۸۸۹ تا ۲۸،۹۱۹۷۲۲ و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۷۹۵ تا ۸۰۰ متر است. بقایای سطحی معماری این شهر در محدوده‌ای به وسعت ۱۰۰۰ متر در ۵۰۰ متر (معادل ۵۰ هکتار) برجای مانده و شامل بخش‌هایی از باروی شهر، دروازه‌های ورودی در جنوب و شرق، شاه‌نشین و عناصر معماری پراکنده است. اما بر پایه یافته‌های حاصل از گمانه‌های تعیین عرصه و حریم، این محوطه در زمان رونق

خود بیش از ۱۸۰ هکتار وسعت داشته است (امیرحاجلو، ۱۳۹۳: ۱۶۶). شاخص‌ترین اثر در این محوطه، بنای مرتفع شاه‌نشین در بخش شمالی شهر است. افزون بر این در بررسی نگارندگان در شهر قدیم نرماشیر، اغلب گونه‌های سفال دوران اسلامی در حجم زیاد و قطعات شیشه، مهره‌های زینتی، اشیاء ریز فلزی، آثار جوش کوره، سرباره ذوب فلز و آجرهایی با نقوش قالبی یا کاشی‌های اولیه بدون لعاب با نقوش قالبی شناسایی شد.

محوطه جلال‌آباد در ۵۰۰ متری شمال شرقی روستای جلال‌آباد در بخش روداب شهرستان نرماشیر واقع است. طول شرقی محوطه از ۵۸،۵۷۵۲۷۸ تا ۵۸،۵۷۹۴۴۴، عرض شمالی از ۲۸،۹۱۵۲۷۸ تا ۲۸،۹۱۸۳۳۳ و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۸۱۴ تا ۸۲۳ متر است. بقایای معماری قابل شناسایی در محوطه، وسعتی در حدود ۲۰ هکتار را دربر می‌گیرد. اما بر اساس پراکندگی سفال سطحی به نظر می‌رسد این محوطه وسعتی در حدود ۸۰ هکتار دارد. محوطه جلال‌آباد شامل قلعه اصلی در جنوب غربی محوطه، بخش‌هایی از یک بنای مستطیل شکل به نام قلعه دختر، پنج بنای هم‌جوار موسوم به چهاردران، زیارتگاه حاج خلیفه و گورستان است. مواد فرهنگی سطحی محوطه شامل شیشه، آجرهای تزئینی، یک قطعه کاشی زرین‌فام سده‌های متأخر اسلامی و گونه‌های متنوعی از سفال دوران اسلامی است.

محوطه و قلعه رفیع‌آباد در دهستان روداب شرقی در بخش روداب شهرستان نرماشیر واقع است. این اثر شامل محوطه‌ای وسیع با گستردگی شرقی-غربی و قلعه‌ای در بخش غربی محوطه است. ابعاد قلعه ۱۲۶×۱۲۱ متر است و در طول شرقی ۵۸،۵۱۵۲۷۸ و عرض شمالی ۲۸،۸۹۸۰۵۶ و ارتفاع ۸۵۰ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. این قلعه شامل پنج حیاط با اتاق، راهرو و تالارهای در اطراف آن‌ها و یک برج دیده‌بانی در فضای مرکزی قلعه است. در سطح محوطه، سفال‌های متنوع دوران اسلامی پراکنده است که عمدتاً به سده‌های میانی تا سده‌های متأخر اسلامی تعلق دارند.

مطالعه سفال منقوش بدون لعاب (شبه پیش‌ازتاریخی) در محوطه‌های دوران اسلامی نرماشیر

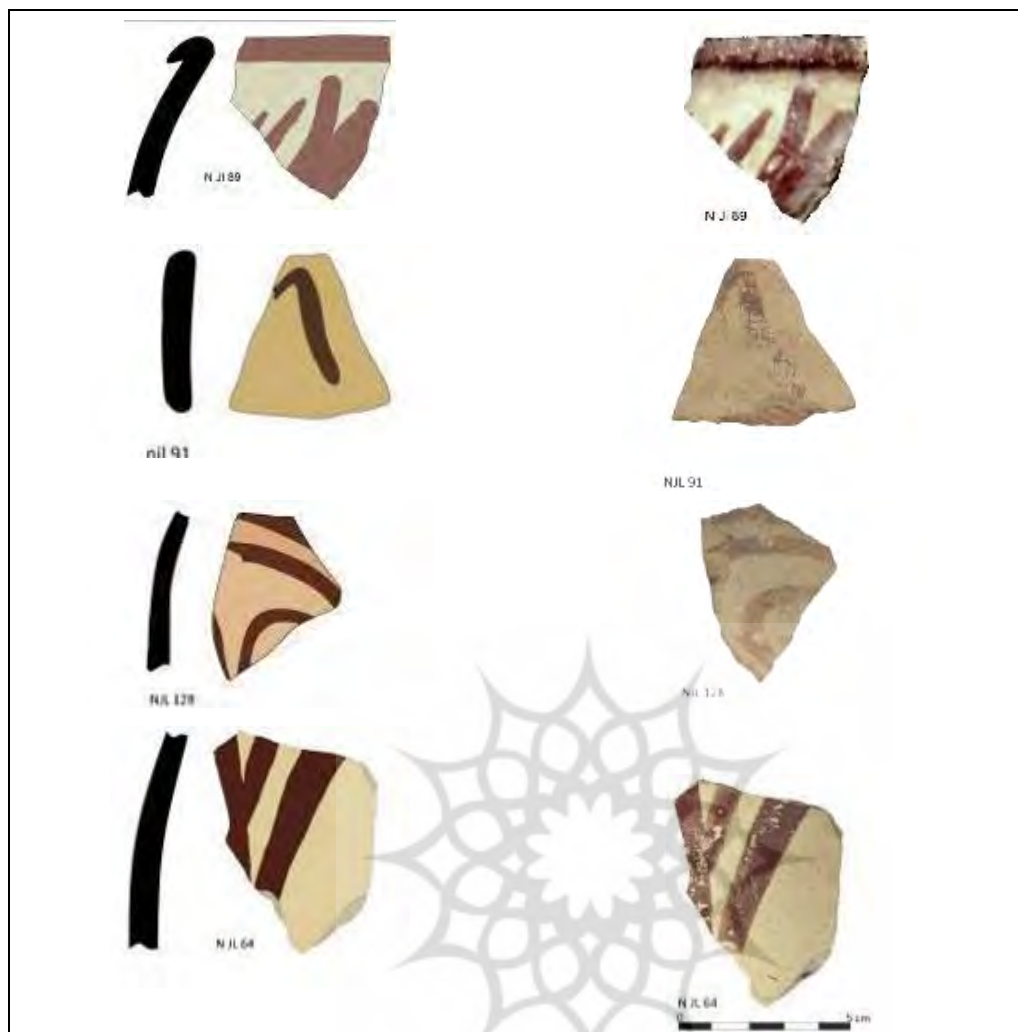
سفال منقوش بدون لعاب شناسایی شده از جنوب و جنوب غربی ایران، برخلاف سایر گونه‌های سفال دوران اسلامی، در کمال سادگی ساخته شده و عموماً با رنگ‌هایی در طیف قرمز تیره تا قهوه‌ای سوخته نقاشی شده است. این‌گونه سفال از نظر نقش و شیوه ساخت، شباهت بسیاری با سفال‌های پیش‌ازتاریخی منقوش دارد. نقوش این سفال‌ها معمولاً بر سطح خارجی ظروف و اغلب در سطح بالایی شکم ظرف، دور و روی لبه و روی دسته ایجاد شده و شامل نقوش و خطوط ساده، ابتدایی و کم‌دقت مانند نوارهای عمودی یا افقی، خطوط منحنی و موج، نقوش شطرنجی و زیگزاگ است. اغلب نمونه‌های سفال منقوش بدون لعاب که تاکنون گزارش شده، با دست ساخته شده‌اند، اما در آن‌ها نوع چرخ‌ساز نیز مشاهده شده است. فرم این سفال‌ها بیشتر دهانه‌بسته و دسته‌دار است، اما نمونه‌های محدودی نیز به شکل دهانه‌باز مانند کاسه و درپوش هستند. آمیزه این سفال‌ها ماسه و در موارد معدودی ماسه‌بادی بوده و سطح خارجی آن‌ها فاقد پرداخت یا صیقل است (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). پژوهشگران با توجه به اختلاف رنگ تزئینات، نوع نقوش سفال‌ها و مواردی چون وجود سفال‌های شاخص سلادن یا آبی و سفید کنار این سفال‌ها، دو گاه‌نگاری مختلف «سده‌های میانی» و «سده‌های متأخر اسلامی» را برای این سفال‌ها در نظر گرفته‌اند (همان: ۱۳۴). نمونه‌هایی از این گونه سفال در سه استقرار دوران اسلامی در دشت نرماشیر یعنی محوطه جلال‌آباد، محوطه رفیع‌آباد و شهر قدیم نرماشیر یافت شده است (جدول ۱) (تصاویر ۱ تا ۴).

در بررسی سطحی شهر قدیم نرماشیر، قطعاتی از این گونه سفال نمونه برداری شد که به دلیل مشابهت‌های میان آن‌ها، قطعات تکراری در این مقاله ارائه نشده و تنها دو قطعه لبه و یک قطعه دسته و بدنه شاخص در این مقاله معرفی شده است. این سه قطعه با کدهای NCh و NChS 01 و NCh 28 و NCh 01 ثبت شد (تصویر ۱). دو نمونه NChS 01 و NCh 28 متعلق به ظروفی با دهانه بسته و خمیره قرمز مایل به نارنجی هستند. این سفال‌ها چرخ‌ساز بوده و قبل از نقش‌اندازی، با لایه روکش نخودی پوشانده شده‌اند و با خطوط منحنی پهن به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز در قسمت نزدیک به لبه‌ها تزئین شده‌اند. همچنین رنگ قرمزی روی لبه‌ها کشیده شده است. نمونه NCh 01 بخشی از بدنه و دسته ظرفی با خمیره قرمز مایل به نارنجی و آمیزه ماسه است که پوششی به رنگ نخودی دارد. تفاوت ظاهری این قطعه با دو نمونه دیگر در ظرافت خطوط منحنی و رنگ نقوش است، چنان‌که خطوط منحنی به رنگ قهوه‌ای روشن مایل به زیتونی آن را تزئین کرده است. ظرافت خطوط و رنگ این خطوط در نمونه‌های مناطق دیگر ایران تاکنون کمتر دیده شده است.



تصویر ۱. نمونه سفال‌های منقوش بدون لعاب از شهر قدیم نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

در بررسی‌های محوطه جلال‌آباد نیز قطعاتی از سفال منقوش بدون لعاب شناسایی شد که از آن میان، چهار نمونه در این مقاله معرفی شده است. چهار نمونه از این سفال‌ها با کدهای NJI 64، NJI 91، NJI 89، و NJI 128 ثبت شد (تصویر ۲) که هر چهار قطعه شامل بدنه سفالی چرخ‌ساز با خمیره قرمز و پوشش نخودی است. نمونه NJI 128 دارای آمیزه ماسه است و با خطوط منحنی پهن به رنگ قهوه‌ای روشن نقاشی شده است. نمونه‌های NJI 89، NJI 64، و NJI 91 دارای خمیره مایل به نارنجی و پوشش نخودی و خطوط پهن با رنگ قهوه‌ای است. قطعه آخر نیز نمونه‌ای است که شهرام زارع در بررسی خود در این محوطه در سال ۱۳۸۷ ش. ثبت کرده است. این نمونه دارای خمیره قرمز با پوشش نخودی است، اما نقوش مثلثی و شطرنجی آن با رنگ قهوه‌ای تیره، با دیگر نمونه‌های شناسایی شده از محوطه‌های نرماشیر تفاوت دارد (زارع، ۱۳۸۷: ۴۳۷) (تصویر ۳). از میان نمونه‌های منقوش بدون لعابی که در بررسی محوطه رفیع‌آباد شناسایی شده‌اند نیز سه قطعه شاخص با کدهای NRF 06، NRF 37، و NRF 38 در این مقاله معرفی شده است (تصویر ۴). نمونه NRF 06 یک قطعه لبه چرخ‌ساز با خمیره قرمز و پوشش نخودی است که با خطوط ظریف



تصویر ۲. نمونه سفال منقوش بدون لعاب از محوطه جلال آباد (نگارندگان، ۱۳۹۷).

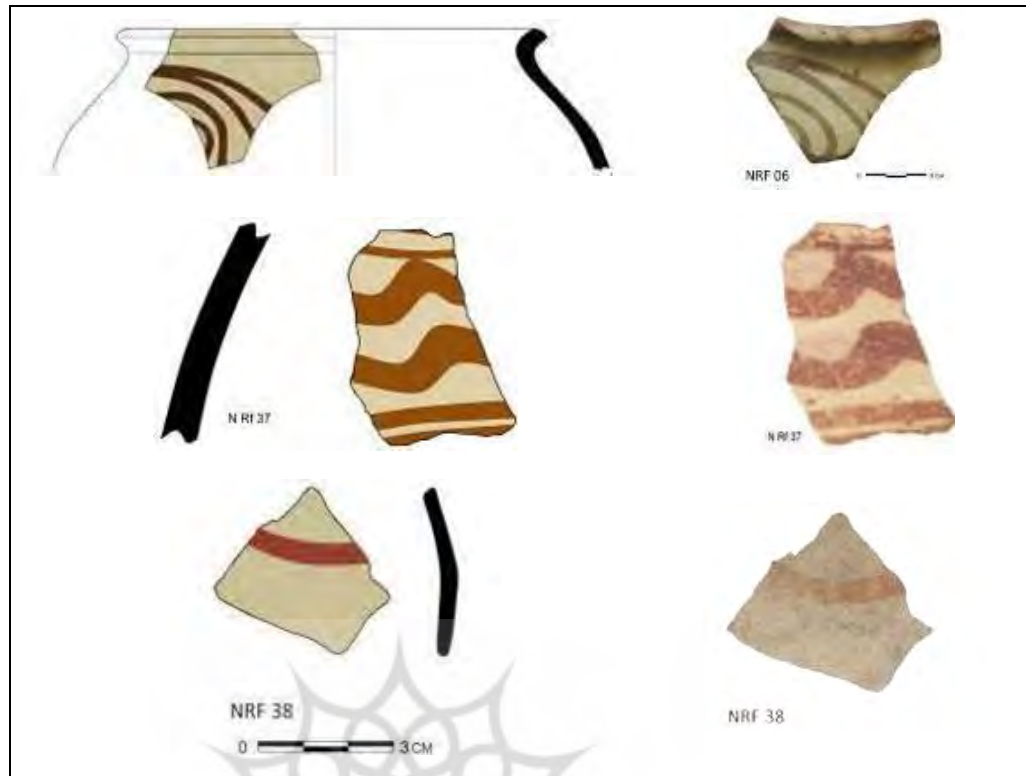


تصویر ۳. سفال منقوش بدون لعاب از محوطه جلال آباد نرماشیر (زارع، ۱۳۸۷: ۴۳۷).

منحنی به رنگ قهوه‌ای روشن مایل به زیتونی نقاشی شده است. اما دو نمونه NRF 37 و NRF 38 قطعاتی از بدنه از نوع دست ساز، با خمیره قرمز، پوشش نخودی، آمیزه ماسه و نقش خطی موج پهن و مایل به قرمز است.

مقایسه و بحث

سفالینه‌های منقوش بدون لعاب در سه محوطه شهر قدیم نرماشیر، جلال آباد و رفیع آباد از لحاظ

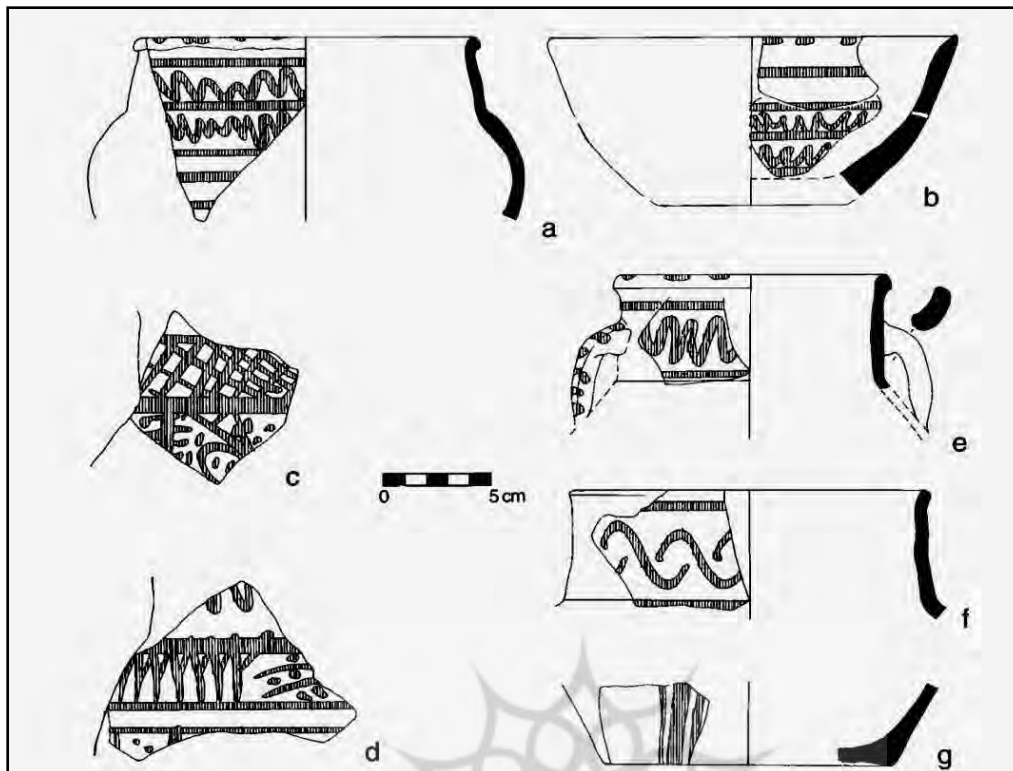


تصویر ۴. نمونه‌های سفال منقوش بدون لعاب از قلعه رفیع‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ویژگی‌های فنی و تزئینی با نمونه‌های حوزه جنوب غرب، مرکز، شمال و شمال شرقی ایران شباهت نسبی زیادی دارند. این سفال‌ها خمیره‌ای قرمز یا نارنجی، پوشش گلی نخودی و آمیزه کانی دارند و جز یک نمونه، همه چرخ‌ساز هستند. طیف رنگی استفاده‌شده در تزئین نقوش آن‌ها قهوه‌ای، قرمز و نارنجی را شامل می‌شود. دو نمونه NCh 01 و NCh 28 از شهر قدیم نرماشیر، از نظر خمیره و رنگ نقش با سفال‌های منقوش بدون لعابی قابل مقایسه هستند که توسط ویتکام از منطقه بویراحمد و حوزه رودگرد در جنوب غربی و جنوب ایران معرفی و بررسی شده‌اند. سفال‌های منطقه بویراحمد با خمیره نارنجی - خرمایی روشن تا قرمز همراه با یک پوشش معرفی شده‌اند و تزئین آن‌ها با رنگ‌های قرمز تیره تا قهوه‌ای و با نقوش هندسی صورت گرفته است (ویتکمب، ۱۳۸۲). همچنین نوع و رنگ خمیره و رنگ پوشش بیرونی این قطعات با نمونه‌هایی شباهت دارد که سامنر و ویتکام با عنوان مادآباد معرفی کرده‌اند (Sumner & Whitcomb, 1999: 320-321) (تصویر ۵). نمونه‌های مطالعه‌شده از محوطه جلال‌آباد و نمونه NRF 38 از رفیع‌آباد نیز براساس رنگ نقوش و زمینه، با نمونه‌های گزارش‌شده از میدان عتیق اصفهان و ارگ شهر سمیران در حوالی منجیل شباهت ظاهری دارند (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸) (تصاویر ۷ و ۸).

اما در میان نمونه‌های مطالعه‌شده، نمونه NRF 06 از قلعه رفیع‌آباد و نمونه NCh 01 از محوطه شهر قدیم نرماشیر دارای ویژگی‌های ظاهری کمی متفاوت است، چنان‌که نقوش خطی در این دو نمونه به صورت خطوط منحنی ظریف با رنگی مایل به زیتونی ترسیم شده و مشابه آن تاکنون در دیگر محوطه‌های ایران گزارش نشده است (تصاویر ۱ و ۳).

به طور کلی اغلب قطعات منقوش بدون لعاب در نرماشیر، از نظر شیوه ساخت با نمونه‌های گزارش‌شده از فصل نهم کاوش در بیشاپور نیز همسان هستند. این گونه سفال حدود هشت درصد از سفال‌های بدون لعاب حاصل از کاوش بیشاپور را شامل می‌شود و عمدتاً با رنگ‌های قرمز تا سیاه و نقوش ساده موج و منقطع تزئین شده‌اند (امیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳) (تصویر ۶). همچنین در



تصویر ۵. نمونه‌های سفال مادآباد که عموماً دارای خمیره نارنجی مایل به زرد و پوشش کرم‌رنگ هستند (Sumner & Whitcomb, 1999: 321).

بررسی محوطه کمپوس بناری کهگیلویه، نمونه‌های فراوانی از این گونه سفال شناسایی و معرفی شده است (قزلباش و پرویز، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۲۳). نمونه‌های گزارش شده از قلعه دختر و شاه‌دژ در خراسان جنوبی نیز از نظر ویژگی‌های فنی و تزئینی با نمونه‌های جنوب غربی ایران و نرماشیر قابل مقایسه هستند. با توجه به اینکه بر پایه منابع تاریخی، این دو قلعه با هجوم مغولان کاملاً تخریب و متروک شده‌اند و انواع قطعات سفال سطحی این دو بنا به سده‌های ۵ تا ۷ ه.ق. تعلق دارند، می‌توان نمونه‌های منقوش بدون لعاب این دو قلعه را به همین بازه زمانی و قبل از حمله مغولان نسبت داد (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). در گمانه‌زنی شهر کهن قاین در خراسان جنوبی نیز این گونه سفال در بافت دوره سلجوقی شناسایی شده است. از این رو برخلاف نمونه‌های جنوب غربی ایران، احتمال اینکه سفال‌های منقوش بدون لعاب خراسان جنوبی در ارتباط با کوچ‌نشینی و شبانی باشند، بسیار ضعیف است (همان). بنابراین تاریخ‌گذاری نسبی نمونه‌های منقوش بدون لعاب خراسان جنوبی می‌تواند ما را در تاریخ‌گذاری نمونه‌های نرماشیر یاری دهد. اگرچه حوزه فرهنگی نرماشیر با برخی از محوطه‌های دوران اسلامی بلوچستان و سیستان هم‌جوار است، نمونه‌های یافت شده از نرماشیر تفاوت‌های ظاهری بیشتری با نمونه‌های منقوش بدون لعاب سیستان و بلوچستان دارند؛ بدین معنا که در نمونه‌های نرماشیر، نقوش قرمز یا قهوه‌ای روی زمینه و پوشش نخودی ایجاد شده، اما در نمونه‌های بلوچستان عموماً نقوش قهوه‌ای تیره روی زمینه و پوشش نارنجی یا قرمز ترسیم شده‌اند و مشابه آن‌ها را در نمونه‌های امروزی سفال کلپورگان می‌توان یافت (موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

با توجه به شباهت‌های ظاهری برخی نمونه‌های منقوش بدون لعاب نرماشیر با نمونه‌های تاریخ‌گذاری شده سایر محوطه‌های ایران و خارج از ایران^۳ و همچنین پراکندگی این گونه سفال در بافت فرهنگی سده‌های میانی در محوطه‌های نرماشیر، می‌توان اغلب نمونه‌های نرماشیر را متعلق



تصویر ۶. نمونه به دست آمده از فصل نهم کاوش در بیشاپور (امیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱).



تصویر ۷. قطعات سفال منقوش بدون لعاب از ارگ شهر سمیران (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸).



تصویر ۸. نمونه منقوش بدون لعاب از میدان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

به بازه زمانی سده‌های میانی اسلامی در نظر گرفت. به ویژه نمونه‌هایی با خمیره قرمز-نارنجی و پوشش کرم که با نمونه‌های مادآباد قابل مقایسه هستند، براساس تاریخ‌گذاری مقایسه‌ای احتمالاً به بازه زمانی سده ۵ تا ۸ ه.ق. تعلق دارند؛ زیرا نمونه‌های مشابهی که در سی سخت و مناطقی از غرب شیراز شناسایی و معرفی شده‌اند، عمدتاً به سده‌های ۵ تا ۸ ه.ق. تاریخ‌گذاری شده‌اند (Sumner & Whitcomb, 1999: 322). همچنین با توجه به اینکه قطعاتی از سفال منقوش بدون لعاب در هفت استقرار اسلامی در فاروج و شیروان خراسان شمالی گزارش شده که عمدتاً با نمونه‌های جنوب‌غربی ایران مشابهت دارند، تاریخ‌گذاری پیشنهادی برای آن‌ها سده‌های ۵-۶ ه.ق. بوده است (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۶) و نیز بر پایه شباهت‌های فنی و ظاهری نمونه‌های نرماشیر با نمونه‌های جنوب‌غربی ایران و شیروان و فاروج، به نظر می‌رسد ساخت این‌گونه سفال در دشت نرماشیر نیز در سده‌های میانی رایج‌تر بوده است.

از سوی دیگر با توجه به تفاوت‌های ظاهری و فنی نمونه‌های نرماشیر با قطعات منقوش بدون لعاب «سده‌های متأخر» از جنوب‌غربی ایران (تصویر ۹) به نظر می‌رسد نمونه‌های نرماشیر به سده‌های متأخر تعلق ندارند. بنابراین بهترین تاریخ‌گذاری پیشنهادی برای نمونه‌های نرماشیر، سده‌های میانی اسلامی به ویژه سده‌های ۵ تا ۸ ه.ق. است.



تصویر ۹. قطعات سفال منقوش بدون لعاب سده‌های متأخر اسلامی از جنوب‌غربی ایران (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

جدول ۱. مشخصات نمونه سفال‌های منقوش بدون لعاب از محوطه‌های دوران اسلامی دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ردیف	شماره قطعه	ویژگی‌ها	محل نمونه برداری	نمونه‌های قابل مقایسه و منبع	تاریخ‌گذاری
۱	N ChS 01	ظرف دهانه بسته، چرخ ساز، خمیره قرمز مایل به نارنجی، پوشش نخودی، نقوش منحنی پهن با رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز در نزدیکی لبه‌ها و رنگ قرمز اخراپی روی لبه.	شاه نشین شهر قدیم نرماشیر (محوطه چغوک‌آباد)	حوزه رود کُر فارس، سی سخت و بویراحمد (ویتکمب، ۱۳۸۲؛ صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵)	سده‌های پنجم تا هشتم هـ.ق.
۲	N Ch 28	ظرف دهانه بسته، چرخ ساز، خمیره قرمز مایل به نارنجی، پوشش نخودی، نقوش منحنی پهن با رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز در نزدیکی لبه‌ها و رنگ قرمز اخراپی روی لبه.	شارستان شهر قدیم نرماشیر (محوطه چغوک‌آباد)	حوزه رود کُر فارس، سی سخت و بویراحمد (ویتکمب، ۱۳۸۲؛ صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵)	سده‌های پنجم تا هشتم هـ.ق.
۳	N Ch 01	بدنه و دسته، چرخ ساز، خمیره قرمز مایل به نارنجی، پوشش نخودی، نقوش ظریف منحنی با رنگ قهوه‌ای روشن مایل به زیتونی	شارستان شهر قدیم نرماشیر (محوطه چغوک‌آباد)	-	سده‌های میانی اسلامی
۴	N JI 64	چرخ ساز، دارای خمیره قرمز و پوشش نخودی، آمیزه ماسه، نقوش منحنی پهن و متقاطع با رنگ قهوه‌ای	محدوده شمالی محوطه جلال‌آباد	ارگ شهر سمیران و میدان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸)	سده‌های میانی اسلامی
۵	N JI 89	ظرف دهانه بسته، چرخ ساز، دارای خمیره قرمز و پوشش نخودی، آمیزه ماسه، خطوط پهن اریب با رنگ قهوه‌ای مایل به اخراپی	محدوده شمالی محوطه جلال‌آباد	ارگ شهر سمیران و میدان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸)	سده‌های میانی اسلامی
۶	N JI 91	چرخ ساز، دارای خمیره قرمز و پوشش نخودی، آمیزه ماسه، نقوش منحنی پهن با رنگ قهوه‌ای	محدوده شمال شرقی محوطه جلال‌آباد	ارگ شهر سمیران و میدان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸)	سده‌های میانی اسلامی
۷	N JI 128	چرخ ساز، دارای خمیره قرمز و پوشش نخودی، آمیزه ماسه فراوان، نقوش منحنی پهن با رنگ قهوه‌ای روشن.	محدوده شمال شرقی محوطه جلال‌آباد	ارگ شهر سمیران و میدان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸)	سده‌های میانی اسلامی
۸	N Rf 06	ظرف دهانه بسته، چرخ ساز، دارای خمیره قرمز، پوشش نخودی، نقوش منحنی ظریف با رنگ قهوه‌ای روشن مایل به زیتونی	محدوده شرقی محوطه رفیع‌آباد	-	سده‌های میانی اسلامی
۹	N Rf 37	دست ساز، دارای خمیره قرمز، پوشش نخودی، آمیزه ماسه فراوان، نقوش منحنی پهن با رنگ قرمز.	محدوده مرکزی محوطه رفیع‌آباد	ارگ شهر سمیران و میدان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸)	سده‌های میانی اسلامی
۱۰	N Rf 38	دست ساز، دارای خمیره قرمز، پوشش نخودی، آمیزه ماسه فراوان، نقوش منحنی پهن با رنگ قرمز.	محدوده شرقی محوطه رفیع‌آباد	ارگ شهر سمیران و میدان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۸)	سده‌های میانی اسلامی

با این‌همه برخلاف بسیاری از نمونه‌های منقوش بدون لعاب از جنوب غربی و جنوب ایران، به نظر می‌رسد نمونه‌های نرماشیر به جوامع کوچ‌رو و غیریکجانشین تعلق نداشته‌اند، زیرا این نمونه‌ها در سه محوطه شهری یا محوطه‌هایی با استقرار ثابت به دست آمدند که هر سه محوطه، ده‌ها هکتار وسعت دارند و در نواحی دشتی با ارتفاع بین ۷۹۵ تا ۸۵۰ متر از سطح آب‌های آزاد واقع هستند، درحالی‌که نمونه‌های منقوش بدون لعاب جنوب و جنوب غربی ایران از محوطه‌هایی کوهستانی و کوهپایه‌ای به دست آمده‌اند که کمتر از یک هکتار وسعت و بیش از ۱۶۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد ارتفاع دارند و عمدتاً متعلق به استقرارهای موقت و جوامع کوچ‌رو هستند (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۴). بنابراین نمونه‌های نرماشیر بیشتر مشابه نمونه‌های شهر قدیم قائن در

استان خراسان جنوبی هستند که احتمال ارتباط آن‌ها با زندگی شبانی و کوچ‌نشینی بسیار ضعیف است (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

بر این اساس در یک جمع‌بندی کلی اگرچه نمونه‌های منقوش بدون لعاب نماشیر از نظر ظاهری و شیوه ساخت شباهت‌هایی با حوزه‌های جنوب‌غربی و جنوبی ایران دارد، اما برخلاف آن نمونه‌ها، مورد استفاده جوامعی یکجانشین قرار می‌گرفته است. از سوی دیگر نمونه‌های نماشیر با نمونه‌های سیستان و بلوچستان به‌عنوان حوزه‌های هم‌جوار، تفاوت سبکی و فنی دارند.

نتیجه‌گیری

در بررسی‌های نگارندگان در دشت نماشیر، در سه محوطه شهر قدیم نماشیر، جلال‌آباد و رفیع‌آباد نمونه‌هایی از سفال‌های منقوش بدون لعاب شناسایی شد. اغلب این سفال‌ها چرخ‌ساز، دارای خمیره قرمز، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی و نقوش قهوه‌ای، قرمز یا نارنجی هستند. تعداد اندکی نیز دارای نقوش خطی منحنی ظریف به‌رنگ قهوه‌ای روشن مایل به زیتونی هستند و مشابه آن تاکنون در محوطه‌های دیگر ایران گزارش نشده است. نمونه‌های منقوش بدون لعاب نماشیر با نمونه‌های شناسایی‌شده از جنوب، جنوب‌غربی، مرکز، شمال و شمال‌شرقی ایران و نیز با نمونه سفال‌های هندسی غرب از لوانت شباهت ظاهری زیادی دارند، اما با نمونه‌های گزارش‌شده از سیستان و بلوچستان متفاوتند؛ به‌گونه‌ای که در نمونه‌های بلوچستان عموماً نقوش قهوه‌ای تیره روی زمینه نارنجی یا قرمز ترسیم شده است و مشابه آن‌ها را در نمونه‌ای امروزی سفال کلبورگان می‌توان یافت. اغلب نمونه‌های منقوش بدون لعاب دشت نماشیر را براساس معیارهایی مانند مقایسه نسبی با نمونه‌های تاریخ‌گذاری‌شده سایر محوطه‌های ایران و نیز بافت فرهنگی دربردارنده این نوع سفال، می‌توان به سده‌های میانی اسلامی (سده‌های ۵ تا ۸ ه.ق.) نسبت داد. اگرچه بسیاری از نمونه‌های منقوش بدون لعاب از جنوب‌غربی و جنوب ایران از استقرارگاه‌های کوهستانی و پایکوهی در ارتفاع بیش از ۱۶۰۰ متر و وسعت کمتر از یک هکتار به‌دست آمده و به جوامع کوچ‌رو تعلق داشته‌اند، اما نمونه‌های نماشیر در سه محوطه شهری یا محوطه‌هایی با استقرار ثابت به‌دست آمدند که هر سه محوطه، ده‌ها هکتار وسعت دارند و در نواحی دشتی با ارتفاع متوسط ۷۹۵ تا ۸۵۰ متر واقع هستند.

پی‌نوشت

۱. در ترجمه‌ای که از مقاله ویتکام در شماره یازدهم از مجله باستان‌پژوهی به چاپ رسیده، برای واژه «Pseudo-Prehistoric» اصطلاح نامناسب «پیش از تاریخ دروغین» استفاده شده است (ویتکمب، ۱۳۸۲).
۲. در متن مقدسی، قصبه به معنی مرکز و پایتخت ولایت آمده است.
۳. این گونه سفال، در سراسر لوانت نیز در سده‌های ۵ تا ۸ ه.ق. تولید و استفاده می‌شده است (ویتکمب، ۱۳۸۲: ۸۵). جونز نیز نقشه‌ای از توزیع این سنت سفالی در بلاد شام منتشر کرده و ویژگی‌های سبکی و فنی این گونه سفال را برشمرده و تاریخ ساخت آن‌ها را سده ۵ تا ۷ ه.ق. دانسته است (Johns, 1993).

کتابنامه

- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (بی‌تا). *المسالك والممالك*، بیروت: دارالصادر.
- ادریسی، محمد بن محمد (بی‌تا) *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*. جلد ۱، بیروت: عالم‌الکتب.
- ادوارد بیت، چارلز (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان؛ سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان*.
- ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۶۷). *مرآت البلدان*. جلد اول. به تحقیق هاشم محدث و عبدالحسین نوایی، تهران: دانشگاه تهران.

- افضل‌الدین کرمانی، ابو‌حامد احمد بن حامد (۱۳۵۶). *عقد‌العلی للموقف الاعلی*. تصحیح علی‌محمد عامری نایینی، تهران: روزبهان.
- امیرانی‌پور، محجوبه (۱۳۹۵) «بررسی باستان‌شناختی سفال دوران اسلامی شهرستان نرماشیر با تکیه بر شهر قدیم نرماشیر (چغوک‌آباد)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی. دانشگاه جیرفت، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (منتشر نشده).
- امیرحاجلو، سعید (۱۳۹۳). «گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم شهر قدیم نرماشیر (محوطه چغوک‌آباد) استان کرمان». کرمان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشر نشده).
- امیری، مصیب. موسوی‌کوهپیر، سیدمهدی و خادمی‌ندوشن، فرهنگ (۱۳۹۱). «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های ساسانی اسلامی بیشاپور؛ مطالعه موردی سفال‌های فصل نهم کاوش». *مطالعات باستان‌شناسی*، دانشگاه تهران، دوره چهارم شماره یک. شماره پیاپی پنج، صص: ۱-۳۲.
- حموی، یاقوت (۱۹۹۰). *معجم البلدان*. جلد پنجم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خیصی، محمدابراهیم (۱۳۴۳). *سلجوقیان و غزدر کرمان*. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: طهوری.
- زارع، شهرام (۱۳۸۷). «گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناختی شهرستان بم» و جلد اول و دوم، کرمان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشر نشده).
- سقایی، سارا و امیرحاجلو، سعید (۱۳۹۵). «منظر تاریخی و فرهنگی نرماشیر کرمان در دوران اسلامی». *مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی*، سال اول، شماره اول. صص: ۷-۳۶.
- شیروانی، زین‌العابدین (۱۳۸۹). *بستان‌السیاحه یا سیاحت‌نامه*. تصحیح منیژه محمودی، تهران: حقیقت.
- صدیقیان، حسین و غلامی، حسین (۱۳۹۱). «سفال اسلامی منقوش بدون لعاب (شبه پیش از تاریخی) ایران». *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*. شماره ششم و هفتم. صص: ۱۴۲-۱۳۴.
- عبدالؤمن البغدادی، ابن‌الحق (بی‌تا). *مرآصد الاطلاع علی اسماء الامکنه والبقاع*. تحقیق علی محمد بجاوی. جلد ۳، بیروت: دارالجیل.
- فشارکی، پریدخت (۱۳۵۷). «پراکندگی جغرافیایی محصولات کشاورزی در واحه‌های بم و نرماشیر (آبادی‌های حوضه آبگیر لوت جنوبی)». *پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره ۱۶. صص: ۱۸-۱.
- قدامة بن جعفر کاتب بغدادی (۱۳۷۰). *الخراج*. ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: البرز.
- قزلباش، ابراهیم و پرویز، احمد (۱۳۹۲). «بررسی زیستگاه‌های دوره اسلامی در ارتفاعات زاگرس جنوبی؛ مطالعه موردی: محوطه کمپوس بناری کهگیلویه». *مطالعات باستان‌شناسی*، دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۲. صص: ۱۲۸-۱۱۳.
- مستوفی، احمد (۱۳۴۸)، «نرماشیر». *پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره اول. صص: ۹۵-۹۰.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. جلد اول. به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابو‌عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۵). *احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه دکتر علینقی منزوی. چاپ دوم، تهران: کومش.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول، توسلی، محمدمهدی. شیرازی، روح‌الله و زور، مریم (۱۳۹۲). «گونه‌شناختی و معرفی سفالینه‌های دوران اسلامی بلوچستان (مکران جنوبی)». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. شماره پنجم، دوره سوم. صص: ۱۴۰-۱۲۱.
- ویتکمب، دونالد (۱۳۸۲). «سفال‌های پیش از تاریخی دروغین از جنوب ایران». *باستان‌پژوهی*. ترجمه محسن زیدی. شماره ۱۱. صص: ۸۴-۹۵.

- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۱). *البلدان*. چاپ چهارم. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

- Abdol Momen Baghdadi, I. (No Date). *Marased Alatela Ala Alasma Alamkeneh Albogha*, effort of Ali Mohamad Bajavi, Beirut: Daraljeyl press.

- Afzaoldin Kermani, A. (1978). *Aghd Alala Lelmoghof Alala*, effort of Ali Mohamad Ameri Naini, Tehran: Rozbahan press.

- Amiranipor, M. (2016). "Archaeological Survey of Pottery Islamic Period of Narmashir County with Based on Old Narmashir City (Chaghok Abad)", M.A. Thesis, Jiroft: University of Jiroft.

- Amiri, M. & Mousavi Kouhpar, S. M. & Khademi Nadoshan, F. (2012). "Classification and Typological Study of Sasanian-Islamic Potteries of Bishapour, Case Study: Materials from the 9th Season of Excavation", *Journal of Archaeological Studies*, No. 5, P.P. 1-32.

- Amir Hajilou, S. (2014). "Report of Trenching for Limitation of Old Narmashir City (Chaghok Abad) in Kerman Province", Kerman: Archive administration of cultural heritage in Kerman Province (unpublished).

- Edrisi, M. (No Date). *Nazhat Almoshtagh Fi Akhteragh Alafagh*, Vol. 1, Beirut: Press of Alam Alkotob.

- Edward Yeit, C. (1986). *Khorasan and Sistan; Colonel Yeit Travelogue to Iran and Afghanistan*, Ghodrat Allah Roshani Zaferanlou and Mehrdad Rahbari, Tehran: Yazdan press.

- Etemad Alsaltaneh, M. (1988). *Mraat Alboldan*, effort of Hashem Mohades and Abdolhossyn Navai, Vol. 1, Tehran: University of Tehran.

- Fesharaki, P. (1979). "The Geographical Distribution of Agricultural Products in Bam and Narmashir (Villages Around of Basin Catchment of Southern Lut)", *Journal of Geographical Studies*, No. 16, P.P. 1-18.

- Ghezelbash, E. & Parviz, A. (2013). "Kombus Bonary: An Islamic Settlement in the Southern Zagros", *Journal of Archaeological Studies*, Vol. 5, No. 2, P.P. 113-128.

- Ghodamat Ibn Jafar. (1992). *Alkharaj*, Translate by: Hoseyn Gharah Chanlou, Tehran: Alborz press.

- Hamavi, Y. (1990). *Mojam Alboldan*, Vol. 5, Beirut: Press of Dar Alkotob Alalmieh.

- Ibn Khordadbeh, A. (No Date). *Almasalek Almamalek*, Beirut: Daralsodor press.

- Johns, J. (1993). "The Rise of Middle Islamic Hand-made Geometrically-Painted Ware in Bilad-Al-Sham (11-13th centuries A.D.)", In: *Colloque International d'Archeologie Islamique, IFAO, Le Caire, 3-7 Fevrier, Textes Arabes et Etudes Islamiques*, Vol. 36, P.P. 65-93.

- Khbisi, M. A. (1965). *Seljuks and Ghos in Kerman*, effort of Mohamad Ebrahim Bastani Parizi, Tehran: Tahori press.

- Maghdasi, A. (2006). *Ahsan Altahghsim Fi Marefat Alaghalim*, Translate by: Alin-

aghi Monzavi, Tehran: Komesheh press.

- Mostofi, A. (1970). "Narmashir", *Journal of Geographical Studies*, No. 1, P.P. 90-95.
- Mostofi, H. (1985). *Tarikh Gozideh*, effort of Abdolhoseyn Navai, Vol. 1, Tehran: Press of Amir Kabir.
- Mousavi Haji, S. R. & Tavasoli, M. M. & Shirazi, R. & Zor, M. (2013). "Introducing and Typology of Islamic Potteries from Baluchistan Region, Mokran South", *Journal of Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, Vol. 3, No. 5, P.P. 121-140.
- Saghai, S. & Amir Hajilou, S. (2016). "The Aspect of Historical and Cultural Narmashir of Kerman in Islamic Period", *Journal of Archaeological Studies of Islamic Period*, No. 1, P.P. 7-36.
- Sedighyan, H. & Gholami, H. (2012). "Unglazed Islamic Painted Pottery (Pseudo-prehistoric) of Iran", *Journal of Modares Archeological Research*, No. 6 & 7, P.P. 134-142.
- Shirvani, Z. (2010). *Boustan Alsiahe Ya Siahatnameh*, effort of Manizheh Mahmoudi, Tehran: Haghighat press.
- Sumner, W. M. & Whitcomb, D. (1999). "Islamic Settlement and Chronology in Fars: an Archaeological Perspective", In: *Iranica Antiqua*, Vol. XXXIV, P.P. 309-324.
- Whitcomb, D. (2003). "The False Prehistoric Wares from South of Iran", Translate by: Mohsen Zeydi, *Journal of Bastan Pazhoi*, No. 11, P.P. 84-95.
- Yaghoobi, A. (2002). *Alboldan*, Translate by: Mohamad Ebrahim Ayati, Tehran: Press of Scientific and Cultural.
- Zare, S. (2008). "Report of Chapter Two Archaeological Survey of Bam County", Kerman: Archive administration of cultural heritage in Kerman Province (unpublished).